روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

سه‌شنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۳ _ ۸ صفر ۱۴۴۶ _ ۱۳ اوت ۲۰۲۴- شماره ۲۴۷۸ _ سال نهم
۸ صفحه _ قیمت ۱۰۰۰۰ تومان _ ضریب کیفی ۶۱۴

t.me/HamdeliNews newspaper.hamdeli@gmail.com hamdelidaily.ir

صاحب امتیار , مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان سردبیر: جلال خوش چهره

مدیر هنری: امین مریخی چاپ: صمیم ۲- ۶۵۵۸۶۸۰۱ - ۰۲۱ توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۱۹۳۳۰۰۰

تهران- خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج
خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۸۸۸۳۹۴۵۱ - ۰۲۱۸۸۸۴۹۸۴۳

با شاعران امروز

علی احسانی زاده

هر آدمی زاده قبیله ای بدوی است؛
قبیله ای بدوی
با چهره ای آراسته!
و همچنان که در پارک ها می‌نشیند
و روزنامه می‌خواند.
و همچنان که به پیراهنش ادکلن می زند
و به سینما می‌رود.
و همچنان که به تماشای باران‌ها میایستد-
و پیپ می کشد،
نیزه ی مرصع اش را نیز
با خود حمل می‌کند.
هر آدمی زاده قبیله‌ی خشمگینی است
قبیله ای که نیزه به سایه ی قبایل همسایه
پرتاب می‌کند.
و هر شامگاه به ضیافی خونین
مردار قبایل دیگر را به دندان می کشد.
و آفتاب صبح که بر می آید
در آینه به خود می نگرد
تا از آراستگی اش مطمئن شود.
و به سر کارش بر می گردد،
با نیزه ای مرصع که به دندان گرگ آراسته است.
هر آدمی زاده
درنده ایست آرام —
و آراسته،
که لنگ لنگان می گذرد،
با انبوه مگس
بر زخم های گرده اش!

یادداشت

وفاق آسان نمود اول ولی افتاد مشکل‌ها!

محمدحسن علایی
جامعه‌شناس و استاد دانشگاه

برای اهل سیاست قضاوت بر سر پیروزی یا شکست ایده‌ها و تئوری‌ها احیانا بر مبنای تطابق یا عدم تطابق با منافع کوتاه مدت جناحی و شخصی صورت می‌پذیرد. این البته برای شبه‌روشنفکران و شبه‌جامعه‌شناسان نیز صادق است. اما برای اهل تفکر مطلقا چنین نیست؛ اهل تفکر پیشاپیش امکانات و امتناعات را پیش چشم دارند، آرایش نیروهای اجتماعی و تاریخی و حاملان و عاملان تغییرات و تحولات را مطمح نظر دارند، در راستای تحقق منافع ملی و خیر عمومی به لوازم و پیامدهای هر گونه تصمیم و اراده‌ای در درازمدت می‌اندیشند.

بحث از «وفاق» و «دولت وفاق ملی» اگر چه به تازگی وارد ادبیات دولتمردان و کنشگران اجتماعی و رسانه‌ای شده است؛ اما برای نگارنده به‌عنوان یک جامعه‌شناس دغدغه‌مند عقبه‌ای بس عمیق‌تر و ژرف‌تر دارد. شاید اولین جرقه‌های آن مربوط می‌شود به مطالعه مقاله ای از فیلسوف هم‌روزگارمان دکتر بیژن عبدالکریمی با عنوان «دلایل عدم ظهور نظریه اجتماعی در ایران» که سال‌ها پیش به تامل در فرازهای ارزشمند آن توفیق یافتم؛ بعدا البته در سایه‌ی پیگیری‌ها و مداومت‌های لاینقطع و مسئله‌محور در خصوص ضرورت تمهید نظریه‌ی اجتماعی خاص زیست جهان ایرانی در جهان جدید و در اثر مکاتبات و مراودات علمی با ایشان به نگارش کتابی با همین عنوان «گفتمان وفاق» توفیق یافتم که «توسعه نیافتگی تاریخی» در آن به‌عنوان ام المسائل ما معرفی و صورت‌بندی شده است.

کوتاه سخن اینکه؛ خواست وفاق در ساحت نظر به شرط طرح‌افکنی اصیل آن از جانب اهل نظر و عزم جدی کارگزاران در عمل برای نیل به آن به عنوان ضرورت بی چون و چرای ما در شرایط توسعه نیافتگی تاریخی؛ با موانع بسیاری مواجه بوده، هست و خواهد بود؛ این راه؛ از قضا -چون راه است و نه بی‌راهه- راه دشواری‌ست که ما پیش رو داریم و نزدیک دو سده است که یک قدم به جلو، دو قدم به عقب آهنگ عزیمت بدان را کرده ایم؛ لذا بسیار باید در آن خویشتندار و پرحوصله باشیم و البته بدانیم گاهی هر ملتی برای ملت شدن تنها یک فرصت بیشتر برای حراست از نهال وفاق برای بالیدن ندارد!

حافظه تاریخی

سالروز آغاز دفاع مَردانه ژنرال «آریوبرزن» قهرمان ملّی ایرانیان

بر پایه یادداشت های روزانه «کالیستنس Callis-thenes» مورخ رسمی اسکندر و محاسبات تقویمی، ۱۲اگوست سال ۳۳۰پیش از میلاد، نیروهای این فاتح مقدونی در پیشروی به سوی «پرسپولیس» شاه نشین وقت در یک منطقه کوهستانی صعب العبور (دربند پارس ـ تکاب در کُهگیلویه) با یک هنگ ارتش ایران به فرماندهی «آریو برزن Ario Barzan و به نوشته او Ario Barzannes و نوشته دیگران Aria Barzan» (آرین) ساتراپ منطقه (ساتراپی = استان پرسپولیس، پایتخت پادشاهی، استان فارس امروز) رو به رو و متوقف شدند. از محاسبات تقویمی معاصر و برخی نوشته ها چنین برمی آید که درگیری اسکندر با آریوبرزن در نخستین ماه سال ۳۳۰ پیش از میلاد روی داده بود و روزها طول کشیده بود. در نخستین برخورد، نیروهای اسکندر از یگان «آریوبرزن» شکست خورده و با تحمل تلفات عقب نشینی کرده بودند که اسکندر ـ خود وارد عمل شد زیرا نمی‌خواست که وقت تلف شود و نگران دسته دیگری از نیروهای خود بود که در شمال شرقی ایران ارتش شکست خورده داریوش سوم و خود اورا که با این نیرو بود دنبال می‌کردند. اسکندر با ۱۴۰۰۰ و طبق برخی نوشته ها ۲۰ هزار نظامی عازم تصرف پرسپولیس شده بود تا با فتح آن روحیه ایرانیان را تضعیف کند که در تنگه تکاب (دربند پارس و مشرف بر دشت اَنشان) با آریوبرزن رو برو شده بود. آریوبرزن در نبرد گاوگاملا (اِربیل) شرکت کرده بود و با تاکتیک نظامی مقدونی ها آشنا بود.این هنگ ۱۰۰۰ تا ۱۲۰۰نفری چندین روز مانع ادامه پیشروی ارتش انبوه اسکندر شده بود که بابِل و شوش را قبلا تصرف و در سه جنگ، داریوش سوم را شکست و فراری داده بود. [در آن زمان شهر شوش پایتخت اداری و پرسپولیس پایتخت سلطنتی ـ شاه نشین ایران بود. در تابستانها، ادارات دولتی از شوش به همدان منتقل می‌شدند. برخی از سازمان‌های دولتی ایران هم در شهر بابِل استقرار داشتند.] اسکندر پیش از ورود به شرق فرات، آناتولیا (ترکیه امروز)، سوریه بزرگتر (لِوانت) و مصر (مصر و لیبی شرقی) را از ایرانیان گرفته بود.سرانجام، هنگ آریوبرزن با محاصره کوهها از سوی اسکندریان و حمله به افراد آن از ارتفاعات بالاتر از پای درآمد و آریوبرزن فرمانده دلیر آن نیز برخاک افتاد. برخی از مورّخان برپایه محاسبات تقویمی تازه، مرگ آریوبرزن ـ قهرمان ملی ایرانیان را بیستم و یا ۲۱ژانویه (یکم بهمن ماه) نوشته اند. مورخ اسکندر نوشته است که اگر چنین مقاومتی در گاوگاملا Gaugamela (اقلیم کردستان کنونی عراق ـ ناحیه اِربیل) در برابر ما صورت گرفته بود، شکست مان قطعی بود. در «گاوگاملا» با خروج غیر منتظره داریوش سوم از صحنه نبرد، واحدهای ارتش ایران نیز که به نظر می‌رسید درآستانه پیروز شدن بر ما بودند؛ در پی او دست به عقب نشینی زدند و ما پیروز شدیم. داریوش سوم در جهت شمال شرقی ایران فرار کرده بود و «آریوبرزن» در ارتفاعات جنوب ایران و در مسیر پرسپولیس به ایستادگی ادامه می‌داد. دلاوری های ژنرال آریوبرزن، یکی از فصول تحسین برانگیز تاریخ ایرانیان را تشکیل می‌دهد و نمونه‌ای از جان گذشتگی ایرانی در راه میهن را بازتاب می‌دهد. آریوبرزن و مردانش درست ۱۵۰سال پس از ایستادگی لئونیداس در برابر ارتش خشایارشا در ترموپیل، که آن هم در ماه آگوست [نهم و دهم آگوست سال ۴۸۰پیش از میلاد] روی داد مقاومت خودرا به همان گونه در برابر اسکندر آغاز کرده بودند. اما فرق میان مقاومت لئونیداس و آخرین ایستادگی «آریو برزن» در این است؛ که یونانیان در ترموپیل، در محل بر زمین افتادن لئونیداس، یک پارک و بنای یاد بود ساخته و مجسمه او را برپا داشته و آخرین سخنانش را بر سنگ حک کرده اند تا از او سپاسگزاری شده باشند، ولی [گویا] تصمیم گرفته شده بود که مجسمه «آریو برزن» را از دروازه شهر یاسوج به گوشه‌ای خلوت منتقل کنند. چرا؟!اگر به فهرست درآمدهای توریستی یونان بنگریم خواهیم دید که بازدید از بنای یادبود و گرفتن عکس در کنار مجسمه لئونیداس برای یونان هرسال میلیونها دلار درآمد گردشگری داشته است. همه گردشگران ترموپیل این آخرین پیام لئونیداس را با خود به کشورهایشان می‌برند: «ای رهگذر، به مردم لاکونی (اسپارت) بگو که ما در اینجا به خون خفته ایم تا وفاداریمان را به قوانین میهن ثابت کرده باشیم.» [قانون اسپارت عقب نشینی نظامی را اجازه نمی‌داد.]. لئونیداس پادشاه اسپارتی ها بود که در آگوست سال ۴۸۰پیش از میلاد، دفاع از تنگه ترموپیل در برابر حمله ارتش ایران به خاک یونان را برعهده گرفته بود.

با همین واژه‌ها معمولی

خوانش دفتر شعر «سنگ به سنگ» اثر یون فوسه، برگردان مهشید کشاورز

لمیده بر پهنه‌ی زلال آبی

فیض شریفی
منتقد و پژوهشگر ادبیات

یون فوسه از بزرگان مدرنیته نمایشنامه و شعر مدرن و ناب اروپاست که با سنگ گشتگی و ایستایی در عرصه هنر و ادبیات سر سازگاری ندارد.یون فوسه تأثیر شگرف و ژرفی بر نمایشنامه ادبی و شعر تجسمی»پوئتیک»نروژ و غرب گذاشته است.این شاعر و نمایشنامه نویس برجسته هم در ابعاد کمیت آفرینش نمایشی و داستانی و شعری و هم در ابعاد نوآوری‌ها و ناب نویسی شاعرانه، شخصیتی پیشرو و مدرن است.از نگاه یون فوسه،شعر امروز-آنگونه که از دفتر شعر «سنگ به سنگ» برمی‌آید- شعر تصویر و خیال است.ازآنجا که واژه‌های Image و Image information از یک ریشه آب می‌خورند و چون ایماژ به معنای تصویر خیالین و شبح و سایه نیز هست به این نتیجه مشبع و مشعشع رسیده است که سخن ساده بدون تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه از رده شعر خارج می‌شود.شعر از نگاه دفتر»سنگ به سنگ»نباید از طبیعت و انسان الهام بگیرد و الهام هنری و موسیقایی و شعری باید دل و جان شاعر را به تصرف خود درآورد،به قول حافظ:«معجز است این نظم یا سحر هلال/هاتف آورد این سخن یا جبرئیل؟...!/ بیا که پرده ی گلریز هفت کاری چشم /کشیده ایم به تحریر کارگاه خیال ...»

یون فوسه در شعر(مزمور)نیز چونان حافظ که گفت:«در پس آیینه طوطی صفتم داشته اند/آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم.» می‌گوید:«خدا شبی به دیدارت می‌آید/لطیف و مهربان/خوش آمد گویان/و می‌گذارد تا ابدیت بیارامی/حس کنی حضورش را /جاری ست در دستان و پاها و روحت در همه‌چیز/در زمین و آسمان سیاه/تو روح اویی،اعتبارش /تو برمی‌افروزی آسمانش را.»

ریشه این اندیشه به افلاتون می‌رسد که شاعران را مجذوب و شوریده می‌دانست.از نگاه افلاتون در رساله «ایون»به سبب الهام و تلقینی خدایی است که شاعران غنایی از خود بی‌خود می‌شوند و می‌رقصند و به سماع درمی‌آیند.مولوی گوید:«من چنان خواهم که همچون یاسمین/گاه همچین گردم و گاهی چنین.»

مولوی با یک دست باده و با یک دست زلف یار رقصی چنین میانه میدان آرزو می‌کرد. آرتور رمبوی فرانسوی، شاعر را پیشگو تصور میکرد؛او دراین فکر بود که با شوریده حالی طولانی و فراوان، حواسش را «بینا»سازد.یون فوسه برآن بود که نیروی «شهود»را بر نیروی خردمندانگی غالب کند یا این دو را به نحوی با هم تلفیق کند:این حس تپنده و شورمندانه در عرفان ایرانی فراوان به دیده می‌آید:»من ازآن روز که در بند توام آزادم.»آدمی گاهی بیهده می‌کوشد که خود را از این عشق سخت و سمج برهاند و قفس را رها کند و با قفس به پرواز درآید.یون فوسه می‌گوید:«اما چرا یافتند چنگ زدند/پنجه در پنجه/سخت به آغوش کشیدند همدیگر را/و تا ابد همین بود کارشان در اسارت یکدگر...»عرفان ایرانی،این حال را وحدت وجود و نظریه وحدت در عین کثرت دانسته است، فروغی بسطامی می‌گوید:«با صد هزار جلوه برون آمدی که من/ با صد هزار دیده تماشا کنم تو را/بالای خود در آینه چشم من ببین/تا با خبر ز عالم بالا کنم تو را...»با این نگاه آنهایی که هنرآفرینی را وابسته و همبسته «درخشش شهود و مکاشفه ناب»تلقی می‌کنند،شعرهای تصویری را پایه و زیربنایی رازوارانه و رمانتیکی می‌دانند و زیبایی و شورمندی را بر اندیشه و خردمندانگی ارجح دانسته‌اند.در تصویرهایی که یون فوسه در شعر آینه می‌کند مجموعه‌ای از تجارب زیستمانی و عاطفی با تشبیه،استعاره با اغراق و ترکیب‌های تصویری تشبیهی و استعاری بیان شده که حاصل مهارت شاعرانه و طغیان احساسات شورمندانه و نیرومند اوست که حافظ آنرا»قبول خاطر و حسن سخن خداداد»می‌داند:«حسد چه می‌بری ای سست نظم بر حافظ/قبول خاطر و حسن سخن خداداد است.»شاعر در اینجا «حرف و گفت و صوت» را برهم می‌زند تا بی این هر سه با مخاطب خود سخن بگوید. شاعر مجذوب الهام و جلوه‌های هنری در این مواقع کلام خود را جادویی می‌داند و جهان جدیدی را برای خود خلق میکند تا زندگانی را دگرگون سازد و حالت تازه ای از اشیاء را ایجاد می‌کند.یون فوسه در شعر»ناپدید» با صنعت پارادوکس و استعاره‌های حسآمیزانه،انسان و طبیعت و اشیاء را به هم پیوند می‌دهد:»بی نهایت و عاری از فاصله»،»محو شدن با فریاد و ماندگاری در ناپیدایی»،»جنبش نامحسوس ساکن» تمام کلمات،شئی می‌شوند و تمام اشیاء واژه می‌شوند و درهم می‌آمیزد:«فقط واژگان صلح و آشتی اند، تنها نجات بخش ما.»این تصاویر و ایده‌ای که شاعر از این جهان بکر متجسم میکند،نمایانگر نحوه زیست شاعر در یک دوره معین تاریخی نروژ و زندگی فرهنگی و اجتماعی او است.شاعر نمی‌تواند در هر موقعیتی چنین زندگی کند و چنین بیندیشد.مثلاً الیوت پس از جنگ جهانی اول و دوم،زندگانی آدمی را صحنه خطر و بحران می‌دید و خود را در قفسی می‌دید که راه گریز و جای ستیزی از آن برای خود نمی‌دید.»سرزمین ویران» الیوت در این زمینه،نمونه بارزی از مرگ و فاجعه و ویرانی و تباهی است، شاعر در این منظومه بلند، خطاب الیوت به انسان می‌گوید:«تو جز مشتی بت‌های شکسته نمی‌شناسی/آنجا که می‌کوبد خورشید و پناهی نمی‌بخشد درختان را.»

شاعران در عصر تمدن بزرگ دشوارگو می‌شوند چون به قول الیوت تمدن ما تنوع عظیم و ابهامات بسیار دارد.باید نتیجه‌های متنوع و پر ابهام به وجود آورد.شاعر باید بیش از پیش،جامع،کنایه پرداز و نامستقیم باشد تا بتواند با توسل به زور و در صورت لزوم با جابه‌جایی کلمات و مطالب،زبان را به قالب معنا درآورد.یون فوسه،آن عصر پر بحران و پر آشوب را تجربه کرده است و پشت سرگذاشته است،او می‌خواهد به جهان پرصفای کودکی و»نیستان عالم معنا و وحدت» برگردد:«انسان یون فوسه در این جهان رؤیایی حضور روشن و قاطعی دارد،این انسان در یک آن،در یک آیین تازه محو می‌شود و با جنبش سنگ‌ها همراه می‌شود و معنا می‌یابد.این انسان در پیوندی متفق از هرچه هست و نیست در خموشی،آرامش،آنجا که باد،باد است و زمان در حال وزیدن است و در جایی که جنبش مفقود می‌شود و محو می‌شود متصل می‌شود. او آنجا می‌رود که هر آوا و هر صوتی حامل معنایی است،پیش ازآنکه واژه‌ای از گلو بیرون آمده باشد.شاعر جهان بکر و بدوی را با جهان پیدای امروز و جهان بی انتهای فردا پیوند می‌دهد.این جهان، هیچ کجا و همه جایی است،هرجایی است.در آن جهان جسم و روح یکی می‌شوند.این جهان باید آدمی باشد آدمی که در عالم خاکی پدید نمی آید،او می‌خواهد عالمی و آدمی از نو بیافریند و «وحدتی فهم ناپذیر» خلق کند.او می‌خواهد جهان و شعر تجسمی دیگری خلق کند.این وحدت وجودی دیگر آن وحدت وجودی عطاری نیست.در شعر یون فوسه گروه عوام و اوساط الناس به گروه الیت پیوند می‌خورند،همه به یک درک و حتا به خرد محض میرسند، همه در این سرزمین،آینه می‌شوند و «چونان واژگانی دلجویانه،ماندگار می‌شوند.» پیش از یون فوسه هم بورخس به اینجا رسیده بود. رولان بارت هم به اینجا رسیده بود که:»شعر حافظ چونان آینه است،هرکس در آن خودش را می‌بیند.»همه باید چون حافظ و یون فوسه شوند.همه سرزمین‌ها بایدبه این درجه از اشراف دست یابند.در دوران جدید ازراپاوند و هولم به این نوع شعر گرایش پیدا کردند.آنها مثل یون فوسه،شعر تصویری را ایجاد شعف ناب و محض می‌دانستند.شعر تصویری و توصیفی یون فوسه مجموعه‌ای روحی و عاطفی در لحظه‌ای از زمان،تصویری از این دست احساس آزادی ناگهانی به آدمی می‌بخشد و میبخشاید،حس آزادی از سدها و موانع و محدودیت‌های زمان و مکان،یعنی احساس کمال بی درنگی که ازراپاوند می‌گوید،آنسان که ما در مشاهده آثار بزرگ هنری تجربه می‌کنیم.ازراپاوند،بر این باور بود که فنون شاعرانه شعر تصویری از شعر هایکا و تانکا ژاپنی و چینی تاثیر گرفته شده و درست بودنش بدلیل توفیق امتیاز فشردگی و ایجاز و تصویری بودن این نوع و نمونه اشعار است.اشعار و نمایشنامه‌های یون فوسه را هم می‌توان اسلوب «کاربرد تصویر واحد در شعر» دانست.یون فوسه «تصویر» را در این معنی با حس بصری و تصاویر حسی دیگر مرتبط می‌دانند و احساس بصری و تصویرهای دیدنی را بر دیگر حواس و تصویرها برتری می‌دهند. سخن یون فوسه در بخشی شاعرانه و در جایی بصری و در مواقعی ریتمیک میشود،اما می‌توان تاثیر اصلی شعر او را از هایکوهای ژاپنی به عینه دید. قطعه‌های کوتاه زیری را نشان می‌دهد که این فن تصویرسازی در ساده‌ترین صورت خود، چگونه شکل پذیرفته‌اند:«تفاوت کار یون فوسه با هایکوسرایان ژاپنی در این است که یون فوسه از آرایه‌ها و استعاره های و تصویرهای فشرده کارمی‌گیرد و گاهی شعر او تم تغزلی رازوارانه ای دارد،اما هایکو معمولاً از تزئینات صوری غلیظ استفاده نمی‌کند و از آوردن مضامین عاشقانه و تسلیم در برابر معشوق می‌گریزد.مسأله بعدی این است که شعر یون فوسه به جز تزئینات صوری،جوهره زبانی شهودی برخوردار می‌شود.یون فوسه نیز از فرم هایکو استفاده نمی‌کند و شعر سه سطری و دو سطری هفده هجایی نمی‌گوید،گاهی او چند مضمون هایکو را می‌گیرد و آن را هنرمندانه و فرم فشرده‌ای درهم می‌آمیزد.به‌عنوان مثال: * قایقی بسی آرام لمیده بر پهنه‌ی زلال آبی.*مفتخر به مدنیت خاموش خویش سواری می‌آید لنگر از پایش میگشاید،می‌رهاندش.* خاموشتر از سکوت در امتداد خشکی سه نسیم بازیگوش.* به بازی گرفته‌اند پیکر عظیم ساحل را پنجه آسمان فرو می‌رود لابه‌لای تار موهایش.

یون فوسه،مخاطب را با خوانش و گفتمان تأویلی ویژه‌ای مواجه می‌کند.شعرهای او پایان‌های باز و تعلیق های بی‌شماری می‌گشاید.با خواندن اشعار یون فوسه ما رؤیاها را می‌توانیم نظاره کنیم و لمس کنیم. نگاه یون فوسه سوررئال و شبح گون و رؤیایی است.او عین و ذهن را در بافت و ساخت و شکل،به طرز شگفتی درهم می‌تند.در شعر او نمی‌توان،این هرسه (بافت، ساخت و شکل) را ازهم گسست و تفکیک کرد.یون فوسه شعر،رمان و نمایشنامه و...را در حرکت و جوهر جدا نمی‌کند چراکه از نگاه او تمام هستی و به‌خصوص «انسان» به مثابه متن و تن است که باید از زوایای گوناگونی واشکافی شود و به تأویل درآید.مهشید کشاورز،در برگردان دفتر شعر «سنگ به سنگ» تلاش مضاعفی کرده تا جوهریت شعر و برجستگی زبانی و تعلیق معنا و چینش و نظم و ایجاز و رازورانگی اثر محفوظ بماند و از دست نرود تا بر چهره این شعرهای زیبا،خدشه‌ای وارد نشود و این سروده‌های شیوا به خوبی خودشان را نشان بدهند.

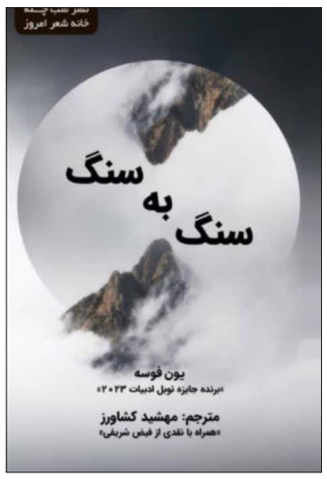

دریچه

جمال الدین گوزل اوغلو - ترکیه

جزئیات سعدی

سروبالایی به صحرا می‌رود
رفتنش بین تا چه زیبا می‌رود
تا کدامین باغ از او خرمترست
کاو به رامش کردن آنجا می‌رود
می‌رود در راه و در اجزای خاک
مرده می‌گوید مسیحا می‌رود
این چنین بیخود نرفتی سنگدل
گر بدانستی چه بر ما می‌رود
اهل دل را گو نگه دارید چشم
کان پری پیکر به یغما می‌رود

مجازستان

- توی ترافیک بودیم دخترم گفت وای مامان ماشین خارجی! هر چی اطرافم رو نگاه کردم ماشین خاصی ندیدم! گفتم کو کجاست! با دست به یه پیکان اشاره کرد گفت ببین ایناهاش چقدر عجیبه چقدر فرق داره! جدی جدی داشت پیکان رو می‌گفت.(SABOOR)
- یکی از همکارام امروز تعریف می‌کرد که تو مهدکودک رو کیف بچش نوشتن «خر» با غم و اندوه و بغض اومده خونه؛ مامانش گفته عیب نداره کیفتو برات با صابون تمیز می‌کنیم. گفته کیفو ول کن، من خرم؟؟ من که اینقدر با همه مهربونم...(دانته)
- پسرم تو ماشین خواب بود، سیگار روشن کردم یهو بیدار شد منم انداختمش رفت، بعد رفته از مامانم پرسیده که بابام سیگار میکشه؟ مامانمم گفته نه بعید میدونم، بعد گفته آره منم فکر نمیکنم بکشه، فقط مثل دیونه ها روشن میکنه بعد پرتش میکنه بیرون. (میگائیل)
- دوستم که رتبه ۱ ارشد برق شریف شده بود اومده بود خونه‌مون. برقمون هم مشکل داشت. بابام بعد سلام‌علیک گفت علی‌آقا قربون دستت یه نگاه به این کنتور ما بنداز. علی که پشماش ریخته بود گفت والا کار من نیست. بابام گفت پس این برق شریف خوندن به چه دردی می‌خوره؟)(تن‌ها)

فناوری

زیردریایی چینی کوه‌های زیر آب را کاوش می‌کند

زیردریایی چینی که می‌تواند تا عمق ۷هزار متری زیر آب برود، به کاوش کوه‌های زیر آب می‌رود. زیردریایی جیائولونگ(Jiaolong) که از روی یک اژدهای افسانه‌ای نام‌گذاری شده است، در ژوئن ۲۰۱۲ تا عمق ۷۰۶۲ متری زیر آب رفت. اکنون دانشمندان چینی آن را به کاوش کوه‌های دریایی وسیع منطقه ماژلان در چین فرستاده‌اند. این ماموریت ۴۵ روزه که روز شنبه آغاز شد، با هدف بررسی کوه‌های زیر آب که به ندرت کاوش شده‌اند، اعزام شد. ساوث چاینا مورنینگ پست گزارش داد که خدمه بین‌المللی این ماموریت در کشتی شنهای ییهائو(Shenhai Yihao) ۶۰ نفر و شامل پژوهشگرانی از چین، هنگ کنگ، استرالیا، اسپانیا، کانادا، مکزیک، سنگاپور، بنگلادش، نیجریه و کلمبیا هستند. دانشمندان این ماموریت توسط کیو جیان‌ون استاد دانشگاه باپتیست هنگ کنگ هدایت خواهند شد. کشتی شنهای ییهائو و جیائولونگ از ۲۳ تا ۲۵ سپتامبر از هنگ کنگ بازدید خواهند کرد و این اولین باری خواهد بود که این شناور در آنجا حضور می‌یابد. به گزارش رسانه شینهوا ۱۸ شیرجه زیردریایی برای انجام این ماموریت برنامه‌ریزی شده است. کوه‌های زیر دریا از ماریانا که عمیق‌ترین نقطه اقیانوسی جهان است به سمت شرق امتداد دارند. این مکان ماموریتی که بین ژاپن و گینه نو قرار دارد، به دلیل ویژگی‌های زمین‌شناسی منحصربه‌فردش انتخاب شده است که می‌تواند دانش دانشمندان را در مورد تنوع زیستی، توپوگرافی، آتشفشان‌های جزایر اقیانوسی، منابع معدنی و اثرات تغییرات آب و هوا و فعالیت‌های انسانی افزایش دهد.

تجهیزات پیشرفته برای مطالعه کوه‌های زیر دریا و زیستگاه‌های دریایی

به گفته ژو ژووی دانشمند ارشد این ماموریت و معاون مرکز ملی دریای عمیق وزارت منابع طبیعی چین، نمونه‌برداران اعماق دریا، فرودگرها و سایر تجهیزات در کنار جیائولونگ برای مطالعه زیست‌شناسی کوه‌های زیر دریا و زیستگاه‌های آنها استفاده خواهند شد. جیائولونگ که از نام یک اژدهای افسانه‌ای نام‌گذاری شده است، یک بار در ژوئن ۲۰۱۲ تا عمق ۷۰۶۲ متری در سنگر ماریانا فرو رفته ااست چین در حال رقابت با غرب برای پیشبرد قابلیت‌های اکتشاف دریایی و زیردریایی خود است و هدف آن هدایت مطالعات و اکتشافات جهانی اقیانوسی در حوزه‌هایی مانند استخراج معادن و اطلاعات در اعماق دریاست. این کشور کشتی‌ها و شناورهای پیشرفته را در آب‌های مجاور مانند دریای چین جنوبی و فراتر از آن به آب انداخته است. در سال ۲۰۲۰ زیردریایی استرایور(Striver) چین به عمیق‌ترین نقطه ماریانا با بیش از ۱۰ هزار و ۹۰۰ متر عمق رسید. در سال ۲۰۱۰ بود که بازوی رباتیک جیائولنگ پرچم چین را در اعماق دریای چین جنوبی نصب کرد و جنجال برانگیز شد.

نمونه‌برداری جیائولونگ از اعماق دریا با حداقل تأثیر زیست محیطی

خبرگزاری شینهوا گزارش داد که زیردریایی جیائولونگ در نمونه‌برداری با کمترین تأثیر زیست محیطی برتری دارد. این زیردریایی، موجودات اعماق دریا، آب دریا، رسوبات، مرجان‌ها و میکروارگانیسم‌ها را جذب می‌کند. گفتنی است که جیائولونگ و کشتی مادرش در ماه مه سال جاری سفری ۱۶۴روزه و ۵۷ هزار کیلومتری را در اقیانوس‌های هند و اطلس انجام دادند و ۴۶غواصی را انجام دادند.